




## Book review: Ecolinguistics: Language, Ecology and the Stories We Live By

Ghorbanpour, Amir<sup>1</sup>  | PhD in Linguistics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

### Abstract

*Ecolinguistics: Language, Ecology and the Stories We Live by*, written by the British linguist and ecologist Arran Stubbe, is the second edition of the book that was first published in 2015 by Routledge and was one of the most prominent works focused on this relatively new interdisciplinary field of applied linguistics. The book, in its second edition (Stubbe, 2021), is organised in eleven chapters and, together with the appendix of the sources of data and the glossary of technical terms at the end of the book, contains a total of 260 pages. The present article will first give a brief overview of the background of the term “ecolinguistics”, and the advent of this field and the scope of its studies; that is because, as is often the case with many scientific disciplines, this cover term and its other related terms have been used in various senses since the emergence of the field. The content of the book in its second edition will then be looked at in detail.

**Keywords:** linguistics, ecology, ecolinguistics, language, discourse.


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1. [amir.ghorbanpour@modares.ac.ir](mailto:amir.ghorbanpour@modares.ac.ir)

**How to cite:** Ghorbanpour, A. (2024). Book review: Ecolinguistics: Language, Ecology and the Stories We Live By. *Language and Linguistics*, 19(37), 303 - 318. doi: 10.30465/lsi.2024.48132.1737



## زبان‌شناسی زیست‌محیطی: زبان، محیط زیست، و داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم (ویراست دوم). آرن استیبی؛ لندن: راتلج، ۲۰۲۱؛ ۲۶۰ صفحه

قربان پور، امیر  دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

### چکیده

کتاب *زبان‌شناسی زیست‌محیطی: زبان، محیط زیست، و داستان‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم* نوشته آرن استیبی، زبان‌شناس و بوم‌شناس بریتانیایی، ویراست دوم کتابی است که نخستین بار در سال ۲۰۱۵ توسط انتشارات راتلج به چاپ رسید و از برجسته‌ترین آثاری محسوب می‌شود که به طور متمرکز به این حوزه میان‌رشته‌ای نسبتاً نوظهور از زبان‌شناسی کاربردی پرداخته بود. ویراست دوم کتاب (استیبی، ۲۰۲۱) در قالب یازده فصل تنظیم شده است که به همراه پیوست منابع داده‌ها و واژه‌نامه اصطلاحات تخصصی انتهای کتاب مجموعاً شامل ۲۶۰ صفحه می‌شود. این نوشتار ابتدا مرور کوتاهی خواهد داشت بر پیشینه اصطلاح «زبان‌شناسی زیست‌محیطی»، و مسیر شکل‌گیری این شاخه میان‌رشته‌ای جدید و گستره مطالعات آن؛ چرا که، همانطور که اغلب در مورد بسیاری از شاخه‌های علمی اتفاق می‌افتد، این اصطلاح پوششی و سایر اصطلاحات مرتبط با آن از آغاز شکل‌گیری این حوزه به معانی مختلفی کاربرد داشته‌اند. سپس در ادامه، به بررسی محتوای کتاب در ویراست دوم آن پرداخته خواهد شد.

**کلیدواژه:** زبان‌شناسی، بوم‌شناسی، زبان‌شناسی زیست‌محیطی، زبان، گفتمان، محیط زیست

## ۱- مقدمه

کتاب زبان‌شناسی زیست‌محیطی: زبان، محیط زیست، و داستان‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم<sup>۱</sup>، نوشته آرن استیبی<sup>۲</sup>، زبان‌شناس و بوم‌شناس بریتانیایی، ویراست دوم کتابی است که نخستین بار در سال ۲۰۱۵ توسط انتشارات راتلج<sup>۳</sup> به چاپ رسید و از مهم‌ترین آثاری محسوب می‌شد که به طور متمرکز به این حوزه میان‌رشته‌ای نسبتاً نوظهور از زبان‌شناسی کاربردی پرداخته بود.<sup>۴</sup> ویراست دوم کتاب (استیبی، ۲۰۲۱) در قالب یازده فصل تنظیم شده است که به همراه پیوست منابع داده‌ها و واژه‌نامه اصطلاحات تخصصی انتهای کتاب مجموعاً شامل ۲۶۰ صفحه می‌شود. این کتاب همچنین با یک دوره آموزشی برخط و رایگان همراه است<sup>۵</sup> که بر اساس فصول ویراست نخست آن طراحی شده است و منابع متنوعی از جمله ویدیوها، خلاصه‌هایی از فصل‌ها (در قالب فایل‌های متنی و پرده‌نگار)، تعاریف، مثال‌ها و تمرین‌هایی را شامل می‌شود. با توجه به جدید و کمابیش ناشناخته بودن موضوع کتاب برای اغلب مخاطبان - با وجود پتانسیل بالای آن در پرداختن به مسائل زیست‌محیطی از منظر علوم انسانی و شناختی -، نوشتار حاضر، ابتدا پس از مرور کوتاهی بر پیشینه و مسیر شکل‌گیری این حوزه میان‌رشته‌ای و گستره مطالعات آن، به بررسی محتوای کتاب در ویراست دوم آن خواهد پرداخت.

## ۲- زبان‌شناسی زیست‌محیطی: گستره پژوهش‌ها از آغاز تا کنون

پیش از پرداختن به بررسی محتوای کتاب، مرور کوتاهی بر پیشینه اصطلاح «زبان‌شناسی زیست‌محیطی»<sup>۶</sup>، و مسیر شکل‌گیری این شاخه میان‌رشته‌ای، در اینجا مفید خواهد بود؛ زیرا، چنانکه اغلب در مورد بسیاری از شاخه‌های علمی اتفاق می‌افتد، این اصطلاح پوششی و سایر اصطلاحات مرتبط با آن - که در ادامه اشاره خواهد شد - از آغاز شکل‌گیری این حوزه به معانی مختلفی به کار رفته‌اند. در یک تعریف کلی، و به بیان ساده، می‌توان گفت زبان‌شناسی زیست‌محیطی به مطالعه رابطه متقابل میان زبان و محیط زیست می‌پردازد. اما در همین ابتدا باید بر این نکته تأکید داشت که عبارت «محیط زیست» به کاررفته در اینجا به معنای واقعی، و نه استعاری، آن مورد نظر است، و به «جهان فراتر از انسان» در اصطلاح استیبی (۲۰۱۲) - اعم از عناصر طبیعت، تمام گونه‌های زیستی، محیط زیست فیزیکی، ... - اشاره دارد. بنابراین،

1. Ecolinguistics: Language, Ecology and the Stories We Live By

2. A. Stibbe

3. Routledge

۴- ویراست نخست این کتاب به فارسی نیز ترجمه شده (آقاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵) و در ایران به چاپ رسیده است.

5. [www.storiesweliveby.org.uk](http://www.storiesweliveby.org.uk)

6. ecolinguistics

کاربردهای استعاره‌ی این اصطلاح، برای مثال در پژوهش‌های مرتبط با محیط‌های آموزش، یادگیری و کاربرد زبان که در برخی مطالعات از آن‌ها با عنوان «محیط زبانی» یا «بوم‌شناسی زبانی» یاد می‌شود، در اینجا مورد نظر نیستند. این بافت‌های محیطی انسانی بیشتر و بهتر در قالب حوزه‌هایی مانند «زبان‌شناسی اجتماعی»<sup>۱</sup>، «جامعه‌شناسی زبان»<sup>۲</sup>، و یا «تماس زبانی»<sup>۳</sup> قابل مطالعه هستند.

اما نکته‌ی مهم دیگر در تعریف ارائه شده در بالا، واژه «متقابل» است، چرا که زبان‌شناسی زیست‌محیطی به عنوان حوزه‌ای پوششی هر دو سوی این ارتباط - یعنی تأثیر زبان بر محیط زیست، و تأثیر محیط زیست بر زبان - را در بر می‌گیرد. در واقع، این دو سوی این ارتباط متقابل همان چیزی هستند که دو شاخه اصلی و مکمل از مطالعات زبان‌شناسی زیست‌محیطی را شکل می‌دهند: ۱) مطالعاتی که به تأثیر زبان - اعم از دستور، واژگان، یا ساخت‌های گفتمانی کلی‌تر - و پیامدهای نحوه کاربرد آن بر محیط زیست می‌پردازند؛ از جمله در مطالعات «تحلیل گفتمان انتقادی زیست‌محیطی»<sup>۴</sup> یا مطالعات مربوط به «نسبیت زبانی»<sup>۵</sup>؛ و ۲) مطالعات مرتبط با تأثیر محیط زیست (به معنای واقعی و نه استعاره‌ی آن) بر روی زبان - به عبارتی، مطالعات «بوم‌شناسی زبان»<sup>۶</sup> که حوزه‌هایی مانند تنوع زیستی و زبانی، زبان‌های در معرض خطر، یا انقراض زبانی را در بر می‌گیرد (نگاه کنید به فیل<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸، ۴). اگرچه این تقسیم‌بندی دوگانه نیز خود ممکن است تا حدودی ساده‌انگارانه به نظر برسد، چرا که، برای مثال، می‌توان چنین استدلال کرد که کاربردهای زبانی و گفتمانی به لحاظ زیست‌محیطی مفید یا مخرب (تأثیر زبان بر محیط زیست) خود در وهله اول از محیط زیست فیزیکی محل کاربرد زبان مورد نظر نیز تأثیر پذیرفته‌اند (تأثیر محیط زیست بر زبان)، و بنابراین این دو نوع ارتباط به نوعی در هم تنیده و مکمل یکدیگر هستند؛ اما این تفکیک دوگانه دست‌کم برداشت ابتدایی مفیدی را از گستره این مطالعات ارائه می‌دهد. در عین حال، از آنجایی که این دو شاخه کلی مخالف یکدیگر نیستند، بلکه در کنار هم یکدیگر را تکمیل می‌کنند، بهتر است از یک اصطلاح پوششی استفاده شود که هر دو شاخه مطالعاتی را شامل می‌شود، و اصطلاح «زبان‌شناسی زیست‌محیطی» بهترین واژه‌ای است که می‌تواند تمام رویکردهای پژوهشی مرتبط با زبان و محیط زیست را در بر گیرد (فیل،

- 
1. sociolinguistics
  2. sociology of language
  3. language contact
  4. eco-critical discourse analysis
  5. linguistic relativity
  6. language ecology
  7. A. Fill

۲۰۱۸: ۲). در وبگاه رسمی «انجمن بین‌المللی زبان‌شناسی زیست‌محیطی»<sup>۱</sup>، به شاخه‌های مطالعاتی مرتبط دیگری پیرامون این حوزه اشاره شده است، از جمله به «ارتباطات زیست‌محیطی»، «آموزش محیط زیست»، «نقد زیست‌محیطی»، و غیره.

گفته می‌شود مفهوم «بوم‌شناسی زبان» نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ توسط آینار هاوگن<sup>۲</sup> (۱۹۹۴-۱۹۰۶)، زبان‌شناس فقید نروژی-آمریکایی، به مطالعات زبانی وارد شده است (فیل، ۲۰۱۸؛ استیبی، ۲۰۲۱؛ در میان دیگر منابع). هاوگن بوم‌شناسی زبان را به عنوان «مطالعه تعاملات میان هر زبان معین و محیط آن» تعریف می‌کند (هاوگن، ۱۹۷۲، نقل شده در فیل، ۲۰۱۸: ۳). اما نخستین کاربرد اصطلاح «زبان‌شناسی زیست‌محیطی» نیز به نظر می‌رسد به دهه ۱۹۷۰ باز می‌گردد، که البته توسط افراد مختلف، و ظاهراً در معانی مختلفی، به کار رفته است (نگاه کنید به فیل، ۲۰۱۸، ۲).

استیبی در کتاب خود به سخنرانی مایکل هلیدی<sup>۳</sup> در همایش انجمن بین‌المللی زبان‌شناسی کاربردی<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۰ به عنوان نقطه آغازی بر شکل‌گیری رسمی مطالعات زبان‌شناسی زیست‌محیطی اشاره می‌کند؛ سخنرانی‌ای که در آن، هلیدی به ارتباط میان زبان از یک سو، و رشد‌گرایی، طبقه‌گرایی و گونه‌گرایی از سوی دیگر اشاره می‌کند، و به زبان‌شناسان کاربردی توصیه می‌کند نقش ابژه مورد مطالعه خود، یعنی زبان، را در افزایش مشکلات زیست‌محیطی نادیده نگیرند (هلیدی، ۱۹۹۰).

وبگاه انجمن بین‌المللی زبان‌شناسی زیست‌محیطی - انجمنی که استیبی بنیان‌گذار و گرداننده اصلی آن است - تعریف زیر را از این حوزه ارائه می‌دهد:

زبان‌شناسی زیست‌محیطی نقش زبان را در تعاملات پایدار و تداوم‌بخش زندگی میان انسان‌ها، سایر گونه‌ها، و محیط زیست فیزیکی مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف نخست، توسعه نظریه‌های زبانی‌ای است که انسان‌ها را نه تنها بخشی از جامعه، بلکه همچنین بخشی از اکوسیستم‌های بزرگ‌تری در نظر می‌گیرند که زندگی به آن‌ها وابسته است. هدف دوم، نشان دادن این موضوع است که چگونه علم زبان‌شناسی می‌تواند برای پرداختن به مسائل اصلی محیط زیست، از تغییر اقلیم و از میان رفتن تنوع زیستی گرفته تا عدالت زیست‌محیطی، مورد استفاده قرار گیرد. (صفحه اصلی وبگاه انجمن بین‌المللی

---

1. International Ecolinguistics Association (IEA)  
2. E. Haugen  
3. M. A. K. Halliday  
4. International Association of Applied Linguistics (AILA)

### زبان‌شناسی زیست‌محیطی)

این در واقع همان تعریفی است که استیبی آن را در کتاب خود نیز به کار بسته است. در ادامه به مرور محتوای کتاب در فصل‌های مختلف آن پرداخته خواهد شد.

### ۳- بررسی محتوای کتاب

فصل اول کتاب، با عنوان «مقدمه»، تعاریف و اصطلاحات اصلی را ارائه داده و ساختار کلی کتاب را طرح‌ریزی می‌کند. استیبی فصل اول کتاب خود را با این اشاره آغاز می‌کند که در اولین برخورد، اصطلاح «زبان‌شناسی زیست‌محیطی» می‌تواند با ابهام همراه باشد. این اصطلاح درباره زبان و درباره محیط زیست است، دو واژه‌ای که در نگاه اول حوزه‌های کاملاً مجزایی از زندگی به نظر می‌رسند. اما با نگاهی دقیق‌تر خواهیم دید که این دو حوزه چندان هم بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند؛ به طوری که، زبان چگونگی تفکر ما درباره جهان پیرامون را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و تفکر ما نیز متعاقباً بر رفتار ما تأثیرگذار است. استیبی، در تعریفی ساده و ابتدایی، این حوزه میان‌رشته‌ای را چنین توصیف می‌کند: «زبان‌شناسی زیست‌محیطی عبارت است از نقد اشکالی از زبان که به تخریب محیط زیست دامن می‌زنند، و کمک به جستجوی اشکال جدیدی از زبان که افراد را به حفاظت از جهان طبیعت ترغیب می‌کنند» (استیبی، ۲۰۲۱: ۱). اگرچه او اشاره می‌کند که زبان‌شناسی زیست‌محیطی بسیار فراتر از این است و تحلیل‌هایی عمیق‌تر از اظهارنظرهای موردی درباره متون منفردی مانند زبان تبلیغات یا متون مرتبط با طبیعت و محیط زیست را در بر می‌گیرد. زبان‌شناسی زیست‌محیطی می‌تواند الگوهای کلی‌تر کاربرد زبان که بر نحوه تفکر و رفتار مردم با جهان پیرامون تأثیرگذارند را مورد کاوش قرار دهد و، به عبارتی، «داستان‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» را آشکار سازد؛ داستان‌هایی در مفهوم الگوهای ذهنی که رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در بطن چالش‌هایی که با آن‌ها مواجه هستیم قرار دارند. استیبی اصطلاح «داستان»<sup>۱</sup> به کاررفته در این کتاب را چنین تعریف می‌کند:

«داستان‌ها» ساختارهای شناختی‌ای در ذهن افراد هستند که چگونگی تفکر، سخن گفتن، و عملکرد آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. «داستان‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» داستان‌هایی در ذهن افراد متعددی در سراسر یک فرهنگ هستند. (ص ۵)

نُه فصل بعدی کتاب هر یک به انواع مختلف این «داستان‌ها» یا ساختارهای ذهنی می‌پردازند،

---

1. story

اگرچه می‌توان گفت این داستان‌ها در مواردی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. متونی که در فصل‌های مختلف کتاب و در چارچوب این داستان‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند از تنوع بسیار بالایی برخوردارند، و شامل متونی برگرفته از کتاب‌های آموزش محیط زیست، متون خبری، متون تبلیغاتی، اسناد و اظهارات سیاسی، گفتمان صنایع، متون ادبی (از جمله نوشتار طبیعت و اشعار هایکو)، و حتی، در بخش‌هایی، گفتمان تصویری (برای مثال، در مورد جنبش‌های حقوق حیوانات) می‌شوند. این نمونه‌های متنی سپس مطابق با یک «فلسفه زیست‌محیطی»<sup>۱</sup> - به معنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها که تحلیلگر آن را معیار سنجش خود قرار می‌دهد - مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. فلسفه زیست‌محیطی استیپی در این کتاب در مفهوم «زندگی» خلاصه می‌شود، که به معنای ارزش نهادن بر شکوفایی تمام موجودات زنده و محیط زیست است.

فصل دوم کتاب به «ایدئولوژی‌ها»<sup>۲</sup>، به عنوان داستان‌هایی که زیربنای گفتمان‌ها هستند، می‌پردازد. استیپی ایدئولوژی‌ها را نظام‌هایی اعتقادی تعریف می‌کند درباره اینکه جهان چگونه بوده، هست و خواهد بود (یا باید باشد)، که میان اعضای گروه‌های خاصی در جامعه مشترک هستند. از آنجایی که ایدئولوژی‌ها به عنوان حقایقی آشکار در مورد جهان ارائه می‌شوند، اغلب ممکن است متوجه این موضوع نشویم که آن‌ها فقط داستان هستند. بنابراین، یکی از اهداف تجزیه و تحلیل گفتمان‌ها آشکار ساختن ایدئولوژی‌های زیربنایی آن‌ها است. به عبارت دیگر، آنچه که در تحلیل گفتمان مورد توجه است، تنها متون منفردی مانند مقاله‌ای از یک روزنامه نیست، بلکه الگوهایی از ویژگی‌های زبانی است که در چندین متن نمود می‌یابد و یک ایدئولوژی ثابت را منتقل می‌کند.

در این فصل، گفتمان‌ها به لحاظ ایدئولوژی‌های زیربنایی‌شان، و پیامدهای آن‌ها در رابطه با محیط زیست، به سه دسته گفتمان‌های مخرب، دوپهلوی و مفید تقسیم می‌شوند. استیپی گفتمان‌های اقتصاد نئوکلاسیک<sup>۳</sup> و دام‌پروری فشرده صنعتی را به عنوان نمونه‌هایی از گفتمان‌های مخرب معرفی می‌کند. برای مثال، در گفتمان اقتصاد، زبان به گونه‌ای به کار گرفته می‌شود که رشد اقتصادی به عنوان هدف اساسی و نهایی جامعه بازنمایی می‌شود (هلیدی، ۱۹۹۰)، و این گفتمان همه جنبه‌های تلاش‌های یک فرد را در دستیابی به رضایت شخصی از طریق مصرف کالاها بازنمایی می‌کند (چاولا، ۲۰۰۱، ۱۲۰). به عنوان مثالی از نمود این گفتمان، صنعت تبلیغات با بازتعریف مفهوم نارضایتی و اینکه این نارضایتی می‌تواند از طریق خرید برطرف شود این

---

1. ecosophy (ecological philosophy)  
 2. ideologies  
 3. neoclassical economics  
 4. S. Chawla

ایدئولوژی مخرب که «خرید محصولات راهی به سوی خوشبختی است» را تشویق می‌کند. گفتمان‌های دوپهلوی به عنوان گفتمان‌هایی تعریف می‌شوند که در برخی جنبه‌ها با فلسفه زیست‌محیطی تحلیلگر همسو بوده و در برخی جنبه‌های دیگر با آن در تضاد هستند؛ برای مثال، گفتمان محیط‌زیست‌گرایی، گفتمان حفاظت، یا جنبش‌های حقوق حیوانات، که به خودی خود هدف مثبتی را دنبال می‌کنند، اما در عین حال از همان جوامعی برخاسته‌اند که گفتمان‌های مخرب در آن‌ها متداول هستند و ممکن است، اغلب ناخواسته، تحت تأثیر همان مفروضات و ایدئولوژی‌های نهفته در پس گفتمان‌های مخرب قرار گیرند. اما، چنانکه نویسنده بیان می‌کند، نقش اصلی زبان‌شناسی زیست‌محیطی این است که از تحلیل انتقادی گفتمان‌های مخرب، و یا آشکار ساختن شکاف‌های موجود در گفتمان‌های دوپهلوی، فراتر رفته و به دنبال گفتمان‌های جدیدی باشد که ایدئولوژی‌هایی را منتقل می‌کنند که می‌توانند مردم را به حفاظت از محیط زیست و اکوسیستم‌های حمایت‌کننده از زندگی ترغیب کنند. این گفتمان‌ها، گفتمان‌های مفید نامیده می‌شوند و هدف از تجزیه و تحلیل آن‌ها ترویج آن‌ها به عنوان داستان‌هایی جایگزین درباره جهان و کمک به گسترش آن‌ها است، حتی اگر آن‌ها امروز نسبتاً ناشناخته باشند. استیسی به مکتب نوشتار طبیعت نو<sup>۱</sup> و همچنین گفتمان‌های فرهنگ‌های سنتی و بومی در سراسر جهان به عنوان نمونه‌هایی از گفتمان‌های مفید اشاره می‌کند و مثال‌هایی از آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل سوم کتاب به «قالب‌ها»<sup>۲</sup> و «قالب‌بندی»<sup>۳</sup> مفاهیم می‌پردازد. یک قالب به عنوان یک چارچوب شناختی و معرفتی درباره حوزه‌ای از زندگی تعریف می‌شود که توسط واژه‌های محرک خاصی به ذهن متبادر می‌شود؛ و قالب‌بندی زمانی اتفاق می‌افتد که یک چارچوب معرفتی برای ساختاربندی حوزه خاصی از زندگی به کار گرفته می‌شود، و این امر صرفاً با استفاده از واژه‌های محرک برای توصیف آن حوزه صورت می‌گیرد. «قالب‌بندی مجدد»<sup>۴</sup> نیز به مفهوم‌سازی حوزه‌ای از زندگی به گونه‌ای متفاوت از قالب‌بندی معمول آن در یک فرهنگ اشاره دارد. قالب‌بندی مفاهیم به شیوه‌های خاص پیامدهای زیست‌محیطی مهمی را به دنبال خواهد داشت، و قالب‌ها نیز می‌توانند، همانند گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های زیرساختی آن‌ها، مورد تجزیه و تحلیل انتقادی قرار گیرند. در این مورد، می‌توان قالب‌بندی‌هایی را که به طور معمول مورد استفاده هستند بررسی کرده، مشکلات آن‌ها را از منظری زیست‌محیطی آشکار ساخته، و به دنبال قالب‌های

---

1. New Nature Writing  
 2. frames  
 3. framing  
 4. re-framing



جایگزینی بود که مردم را به حفاظت از محیط زیست و اکوسیستم‌هایی که زندگی به آن‌ها وابسته است ترغیب می‌کنند. به عنوان مثال، استیپی به قالب‌بندی «تغییر اقلیم یک مشکل است» اشاره می‌کند که توسط واژه‌های محرکی مانند «مشکل» و «راه‌حل» برانگیخته می‌شود. اما این مفهوم‌سازی در حالی که بر برخی جنبه‌ها تأکید می‌کند، برخی جنبه‌های دیگر را نیز کم‌اهمیت جلوه می‌دهد. به طور خاص، این قالب‌بندی مفهومی می‌تواند توجه را از اصل انطباق‌پذیری - که در فلسفه زیست‌محیطی این کتاب نیز اشاره شده است - دور کند؛ به طوری که، اگر تغییر اقلیم به عنوان یک مشکل قابل حل مفهوم‌سازی شود، دیگری نیازی به این نیست که جوامعی انعطاف‌پذیر ایجاد شوند که بتوانند خود را به اثرات مضر که تغییرات اقلیمی تا همین امروز بر جای گذاشته‌اند انطباق دهند.

فصل چهارم کتاب به بررسی «استعاره‌ها»<sup>۱</sup> می‌پردازد. استیپی استعاره را به عنوان نوع خاصی از قالب‌بندی تعریف می‌کند که در آن، قالب مبدأ به حوزه خاص و کاملاً متفاوتی از زندگی تعلق دارد، اغلب حوزه‌ای که ما از طریق تعاملات روزمره با آن آشنا هستیم. بر این اساس، استعاره‌ها از قالبی از یک حوزه خاص، ملموس و قابل تصور برای مفهوم‌سازی حوزه کاملاً متمایزی از زندگی استفاده می‌کنند. البته این تعریف تا حدودی متفاوت از معمول‌ترین شیوه توصیف استعاره در علوم شناختی است (نگاه کنید به لیکاف<sup>۲</sup> و جانسن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹) که در آن استعاره به عنوان نگاشتی از یک حوزه مبدأ به یک حوزه مقصد توصیف می‌شود. استیپی بیان می‌کند که آنچه که نظریه‌پردازان استعاره در علوم شناختی از آن به عنوان «حوزه مبدأ» یاد می‌کنند در واقع از قالب‌های مفهومی تشکیل شده است. بر همین اساس، تجزیه و تحلیل استعاره شامل شناسایی قالب مبدأ و حوزه مقصد، و سپس یافتن این موضوع (با استفاده از نشانه‌های متنی) است که چه عناصری از قالب مبدأ به حوزه مقصد نگاشته شده‌اند؛ و از منظر زبان‌شناسی زیست‌محیطی، مهم‌ترین مسئله این است که آیا این استعاره‌ها به لحاظ زیست‌محیطی مخرب، دوپهلوی، یا مفید محسوب می‌شوند. در ادامه فصل، نویسنده استعاره‌های مفهومی مختلفی را در حوزه طبیعت و محیط زیست مورد تحلیل و بررسی قرار داده، و پیامدهای مثبت یا منفی هر یک از آن‌ها را بر اساس استدلال استعاری نهفته در پس آن‌ها آشکار می‌سازد؛ استعاره‌هایی مانند «طبیعت یک ماشین است»، «طبیعت یک موجود زنده است»، «زمین یک سفینه فضایی است» یا «سیاره زمین یک بیمار است».

---

1. metaphors  
2. G. Lakoff  
3. M. Johnson

فصل پنجم به «ارزیابی‌ها»<sup>۱</sup>، به عنوان نوع دیگری از داستان‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم، می‌پردازد. در این کتاب، ارزیابی‌ها به داستان‌هایی در ذهن افراد اشاره دارند درباره اینکه آیا حوزه‌ای از زندگی خوب یا بد است. این داستان‌ها به وسیله «الگوهای ارزیابی»<sup>۲</sup> نمود می‌یابند که مجموعه‌ای از ویژگی‌های زبانی هستند که کنار هم می‌آیند تا حوزه‌ای از زندگی را خوب یا بد جلوه دهند. ویژگی‌های زبانی بسیاری وجود دارند که می‌توانند حوزه‌های مختلف را به طور مثبت یا منفی بازنمایی کنند؛ از موارد صریحی مانند صفت‌های «خوب»، «بد»، «درست» یا «غلط» گرفته تا عبارات ضمنی تری که می‌توانند، بسته به بافت، دلالت‌های تلویحی مثبت یا منفی داشته باشند. یک ساخت دستوری مانند «تهدید X» نیز یک الگوی ارزیابی است و عنصر X را به طور منفی ارزش‌گذاری می‌کند. برخی استعاره‌ها نیز می‌توانند الگوهای ارزیابی باشند؛ برای مثال، اگر مصرف‌گرایی به عنوان یک بیماری توصیف شود، این ساخت استعاری، به دلیل منفی بودن مفهوم بیماری در قالب مبدأ، به طور طبیعی یک ارزیابی منفی را از این پدیده برمی‌انگیزد. نویسنده در این فصل به انواعی از این الگوهای ارزیابی و نمودهای زبانی آن‌ها در متون مختلف - برای مثال، از طریق کاربرد عناصر ساخت‌واژی، باهم‌آیی واژه‌ها، ساخت‌های دستوری، ... - پرداخته و آن‌ها را از منظر زیست‌محیطی مورد تجزیه و تحلیل انتقادی قرار می‌دهد؛ ارزیابی‌هایی مانند «پیشرفت خوب است»، «سریع خوب است»، «زیاد خوب است»، «تاریکی بد است»، یا «هوای بارانی بد است»، که در متون متنوعی نمود می‌یابند و مورد چالش و قیاس با ارزیابی‌های جایگزین (به طور خاص، در تقابل با اشعار هایکوی ژاپنی) قرار می‌گیرند.

فصل ششم به بررسی «هویت‌ها»<sup>۳</sup> به عنوان نوع دیگری از داستان‌ها می‌پردازد. هویت در این فصل به عنوان داستانی در ذهن افراد تعریف می‌شود درباره اینکه معنای یک شخص خاص بودن چیست. هویت‌ها الگوهایی در ذهن افراد هستند، اما خود را در شیوه‌های خاص لباس پوشیدن، نوشتن، سخن گفتن، و رفتار کردن نمایان می‌سازند. برخی هویت‌ها (برای مثال، هویت مصرف‌کننده سیری‌ناپذیر) رفتارهایی را تشویق می‌کنند که اگر مردم آن را بپذیرند به لحاظ زیست‌محیطی مخرب هستند - یعنی اگر بپذیرند که آن‌ها از این نوع افراد هستند و خود را به الگوی ذهنی آنچه که این نوع افراد می‌گویند و انجام می‌دهند انطباق دهند. از سوی دیگر، هویت‌های دیگری می‌توانند افراد را به رفتارهایی تشویق کنند که از منظر زیست‌محیطی مفید هستند. هویت‌ها را می‌توان از این طریق مورد مطالعه و بررسی قرار داد که چگونه متون مختلف در جامعه برجسب‌های هویتی (برای مثال، مدیر، مالک، مصرف‌کننده، ...) را برای افراد مختلف

---

1. evaluations  
2. appraisal patterns  
3. identities

ایجاد کرده و این افراد را با ویژگی‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای خاصی پیوند می‌دهند؛ چرا که گفتمان‌ها تنها هویت‌هایی از قبل موجود را توصیف نمی‌کنند، بلکه در شکل‌گیری و حفظ هویت‌ها در طول زمان نقش دارند. نویسنده در این فصل انواعی از این هویت‌ها که به واسطه زبان شکل گرفته و تداوم می‌یابند را در متون مختلف - به طور خاص، در گفتمان اقتصاد نئوکلاسیک و مجله سلامت مردان<sup>۱</sup> - مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

فصل هفتم کتاب به «باورها»<sup>۲</sup> اختصاص دارد؛ داستان‌هایی در ذهن افراد درباره اینکه آیا یک توصیف خاص از یک موضوع درست، مسلم، نامسلم، یا نادرست است. این درجات مختلف از میزان درست‌پنداری یک توصیف از طریق «الگوهای واقع‌بودگی»<sup>۳</sup> نمود می‌یابند که مجموعه‌ای از ابزارهای زبانی هستند که کنار هم می‌آیند تا توصیف‌هایی را مسلم یا درست بازنمایی کنند و یا آن‌ها را به عنوان گزاره‌هایی نامسلم یا نادرست تضعیف کنند. نویسنده در این فصل به بررسی متون مختلفی در رابطه با محیط زیست و تغییرات اقلیمی، و میزان واقع‌نمایی ادعاهای مطرح شده در این متون، پرداخته و ابزارهای زبانی‌ای که بر واقع‌نمایی یک توصیف تأثیرگذار هستند را به تفصیل مرور می‌کند - از جمله میزان وجهیت<sup>۴</sup> به‌کاررفته در یک توصیف که توسط قیدها (قطعاً، مطمئناً، احتمالاً، شاید، اصلاً، ...) یا افعال وجهی نمود می‌یابند. در بخش جالبی از این فصل، استیسی پدیده انکار تغییر اقلیم را در گفتگوهای برگرفته از یک فیلم مستند با گفتمان انکار ویروس کرونا توسط نظریه‌پردازان توطئه مقایسه می‌کند و شباهت‌های این دو انکار را در متون مختلف با تحلیل الگوهای واقع‌بودگی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل هشتم کتاب به موضوع «محوسازی»<sup>۵</sup> می‌پردازد. چنانکه نویسنده اشاره می‌کند، زبان‌شناسان نه تنها می‌بایست به مشارکاتی که صریحاً در متون بازنمایی می‌شوند توجه داشته باشند، بلکه آن‌هایی که در پس‌زمینه قرار گرفته و یا به کلی حذف شده‌اند را نیز باید مد نظر قرار دهند. یک حذف نظام‌مند یا به حاشیه راندن برخی مشارکان از یک متن یا گفتمان خاص به خودی خود بیانگر یک داستان است، و آن اینکه این مشارکان بی‌اهمیت یا بی‌ارتباط به موضوع هستند. بر این اساس، «محوسازی» به داستانی در ذهن افراد اشاره دارد مبنی بر اینکه حوزه‌ای از زندگی بی‌اهمیت بوده یا درخور توجه نیست. این عدم اهمیت در متون توسط یک الگوی محوسازی نمود می‌یابد که با حذف یا تضعیف نظام‌مند یک عنصر در متن به عنوان موضوعی بی‌ارتباط، بی‌اهمیت یا حاشیه‌ای، صورت می‌گیرد. نویسنده در این فصل به طور خاص به

- 
1. Men's Health
  2. convictions
  3. facticity patterns
  4. modality
  5. erasure

ویژگی‌های زبانی‌ای می‌پردازد که به محوسازی عاملان انسانی در گفتمان محیط زیست منجر می‌شوند؛ ویژگی‌هایی مانند اسم‌سازی از عبارات فعلی (برای مثال، «آلودگی» یا «تخریب»؛ مقایسه کنید با عبارت «Y, X» را آلوده/خراب می‌کند) یا استفاده از ساخت مجهول. به عنوان نمونه‌ای دیگر، می‌توان به محوسازی حیوانات و فردیت آن‌ها در متون مختلف به وسیله استفاده از اسامی کلی و فراشمولی مانند «منابع زیستی» یا «ذخایر دریایی» اشاره کرد که در آن حیوانات غیرانسان تنها به منابعی صرف برای استفاده انسان‌ها تقلیل می‌یابند. در این فصل، محوسازی به سه نوع کلی تقسیم می‌شود: ۱) «تهی‌سازی»<sup>۱</sup>، که در آن عنصر مهمی به طور کامل از یک متن حذف می‌شود؛ ۲) «پنهان‌سازی»<sup>۲</sup>، که در آن عنصری حذف شده، اما با نسخه تحریف شده‌ای از خود جایگزین می‌شود؛ و ۳) «ردگذاری»<sup>۳</sup>، که در آن عنصری به طور نسبی حذف می‌شود، اما ردی از آن باقی می‌ماند. نویسنده در ادامه فصل به بررسی انواع محوسازی و پیامدهای آن در طیف وسیعی از متون، از جمله در گزارش‌های ارزیابی اکوسیستم و سند اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد، می‌پردازد.

نقطه مقابل محوسازی، «برجسته‌سازی»<sup>۴</sup> است که در فصل نهم کتاب به آن پرداخته می‌شود. برجسته‌سازی داستانی در ذهن افراد است مبنی بر اینکه حوزه‌ای از زندگی مهم یا شایسته توجه است. این برجسته‌سازی از طریق یک بازنمایی زبانی یا تصویری از حوزه‌ای از زندگی به عنوان موضوعی حائز اهمیت صورت می‌گیرد. با تجزیه و تحلیل طیفی از ویژگی‌های زبانی، از جمله ساخت کانونی، سطوح انتزاع، ساخت گذرایی، و استعاره، می‌توان الگوهای برجسته‌سازی را در متون مختلف آشکار ساخت. فلسفه زیست‌محیطی تحلیلگر مشخص می‌کند که چه حوزه‌هایی باید برجسته‌تر باشند. در رابطه با سطوح انتزاع، برای مثال، نویسنده بیان می‌کند که هر چه یک توصیف انتزاعی‌تر باشد، عناصر توصیف شده برجستگی کمتری خواهند داشت؛ و، در حالی که سطحی از انتزاع برای صحبت درباره برخی مفاهیم پیچیده جهان پیرامون اجتناب‌ناپذیر است، انتزاع بیش از حد باعث می‌شود واقعیت عینی افراد و تمام موجودات، و زندگی، سلامت و رفاه آن‌ها، به فراموشی سپرده شود. در مورد حیوانات، بازنمایی‌های سطح پایه بیشترین برجستگی را دارند؛ برای مثال، واژه‌ای مانند «اورانگوتان» تصویر واضح و برجسته‌ای را تداعی می‌کند، در حالی که اسامی فراشمولی مانند «پستاندار»، «حیوان»، یا «موجود زنده» انتزاعی‌تر و تصورشان دشوارتر است. برجسته‌سازی را می‌توان از طریق پیش‌زمینه قرار دادن مشارکان در بندها (برای

---

1. void  
2. mask  
3. trace  
4. salience

مثال، در ساخت معلوم) نیز ایجاد کرد. مشارکان هنگامی فعال و برجسته‌سازی می‌شوند که به عنوان عاملانی بازنمایی شوند که در حال انجام دادن، فکر کردن، حس کردن، یا گفتن چیزی هستند، و نه عناصر منفعلی که از کنشی تأثیر می‌پذیرند. بنابراین، ساخت گذرایی و فرایندهای فعلی نیز نقش مهمی در برجسته‌سازی عناصر در متون دارند. این فصل نمونه‌های متنی و تصویری مختلفی را از برجسته‌سازی عناصر در گفتمان‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل دهم - فصلی که تماماً جدید بوده و در ویراست دوم کتاب به آن افزوده شده است - به آخرین نوع داستان‌ها، یعنی «روایت‌ها»<sup>۱</sup>، می‌پردازد. استیسی ساختارهای روایی را به عنوان داستان‌هایی در ذهن افراد تعریف می‌کند که توالی‌ای از وقایع را در بر می‌گیرند که به طور منطقی به یکدیگر متصل می‌شوند. ساختارهای روایی می‌توانند خیلی ساده یا بسیار پیچیده باشند. آن‌ها می‌توانند برای مقطعی گذرا ظاهر و سپس فراموش شوند، و یا اینکه به قدری تکرار شوند که در امتداد فرهنگ‌ها و تاریخ‌ها انعکاس یابند. نویسنده در این فصل استدلال می‌کند که روایت‌ها نیز می‌توانند به لحاظ استلزام‌های معنایی خود بر اساس یک فلسفه زیست‌محیطی مورد تجزیه و تحلیل انتقادی قرار گیرند. استیسی به نقل از مک‌لارن<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) بیان می‌کند که اگر روایت‌ها به زندگی ما معنا می‌دهند، ما باید دریابیم که این روایت‌ها چه هستند و چگونه چنین نفوذی بر ما دارند، زیرا روایت‌ها می‌توانند قادر به ایجاد تحول اجتماعی باشند. بر این اساس، یک خوانش انتقادی از روایت‌ها - یا یک «روایت‌شناسی انتقادی»<sup>۳</sup> - می‌تواند افزایش آگاهی از استلزام‌های معنایی بالقوه روایت‌ها را تشویق کرده و آن‌ها را با روایت‌هایی جایگزین مورد مقایسه قرار دهد. نویسنده در این فصل به تحلیل و بررسی انواعی از این روایت‌ها، از جمله داستان‌های سنتی و قصه‌های بومی فولکلور، و استلزام‌های معنایی آن‌ها (به لحاظ چگونگی بازنمایی جهان فراتر از انسان) پرداخته و آن‌ها را بر اساس فلسفه زیست‌محیطی این کتاب مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

فصل یازدهم، فصل پایانی کتاب، به نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب می‌پردازد. نویسنده در این فصل به همه‌گیری کرونا اشاره می‌کند و اینکه این همه‌گیری به ما این فرصت را داده است تا در ساختار جامعه انسانی تجدید نظر کرده و برخی از داستان‌هایی را که به نابرابری و تخریب زیست‌محیطی دامن می‌زنند کنار بگذاریم. او اضافه می‌کند که مقیاس تغییر مورد نیاز برای ایجاد چنین تحولی بسیار فراتر از اصلاحات فنی کوچک مانند تولید خودروهایی کارآمدتر است؛ این تحول مستلزم ظهور جامعه کاملاً متفاوتی است که بر اساس داستان‌های متفاوتی ساخته شده

---

1. narratives  
2. P. McLaren  
3. critical narratology

است. و اگر ما در ایجاد این تحول شکست بخوریم و پس از عبور از این همه‌گیری به وضعیت عادی خود بازگردیم، در این صورت با تخریب زیست‌محیطی جبران‌ناپذیر و یک فروپاشی سیستمی احتمالی مواجه خواهیم شد. استیپی در این فصل تعریف نهایی خود را از زبان‌شناسی زیست‌محیطی، که به نظر او با هدف مشترک تمام رشته‌های علوم انسانی زیست‌محیطی مطابقت دارد، ارائه می‌دهد: زبان‌شناسی زیست‌محیطی به مطالعه نقش زبان در تعاملات پایدار و تداوم‌بخش زندگی میان انسان‌ها، سایر گونه‌ها و محیط زیست فیزیکی می‌پردازد؛ و این همان تعریفی است که در وبگاه انجمن جهانی زبان‌شناسی زیست‌محیطی نیز ارائه شده است (چنانکه در ابتدای این نوشتار نیز به آن اشاره شد). در ادامه، این فصل پایانی توصیف می‌کند که چگونه شکل زبان‌شناسی زیست‌محیطی توصیف شده در این کتاب از تمرکز صرف بر روی دستور زبان فراتر رفته، و بر این تمرکز دارد که چگونه زبان برای بیان داستان‌هایی درباره جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

#### ۴- جمع‌بندی

به طور خلاصه، این کتاب نظریه‌هایی از حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی و علوم ارتباطات - از زبان‌شناسی شناختی و تحلیل گفتمان انتقادی گرفته تا نظریه‌های واقع‌بودگی، ارزیابی و هویت - را به کار می‌گیرد تا داستان‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم را آشکار ساخته، و سپس این داستان‌ها را بر اساس یک فلسفه زیست‌محیطی مورد قضاوت و ارزیابی قرار دهد. اگر این داستان‌ها به لحاظ زیست‌محیطی مخرب باشند باید در برابر آن‌ها ایستادگی کرده و به دنبال داستان‌های جایگزین و جدیدی بود که افراد را به حفاظت از محیط زیست و اکوسیستم‌های حمایت‌کننده از زندگی ترغیب می‌کنند.

با وجود اینکه این کتاب به طور کلی کتابی علمی و تخصصی محسوب می‌شود، و در وهله اول با در نظر داشتن مخاطب دانشگاهی نگاشته شده است، اما در عین حال از زبان روان و قابل فهمی برخوردار است که آن را، تا حد زیادی، برای سایر خوانندگان علاقه‌مند و غیرمتخصص نیز قابل درک می‌سازد. به لحاظ نیاز به دارا بودن پس‌زمینه‌ای از دانش زبان‌شناسی، برخی از بخش‌های کتاب فنی‌تر بوده، و برخی بخش‌های دیگر ساده‌تر هستند و برای مخاطب عام و یا مخاطبانی از سایر رشته‌های تخصصی نیز قابل فهم می‌باشند.

از دیگر نکات مثبت کتاب، می‌توان به وجود واژه‌نامه توصیفی اصطلاحات تخصصی در انتهای کتاب اشاره کرد که تعاریف اصطلاحات اصلی و کلیدی کتاب را (بیش از ۱۰۰ واژه) در بر می‌گیرد. با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای بودن این کتاب و اصطلاحات به‌کاررفته در آن، وجود

چنین واژه‌نامه‌ای به عنوان یک منبع ارجاع برای دسترسی سریع به تعاریف اصطلاحات تخصصی از نکات مثبت آن برشمرده می‌شود.

در پایان، تنوع قابل توجه متون مورد تحلیل در فصل‌های مختلف کتاب، چنانکه پیش‌تر نیز اشاره شد، از دیگر امتیازات کتاب محسوب می‌شود. فراتر از تنوع منابع، در ویراست دوم کتاب از متون بسیار جدید و به‌روزی استفاده شده است، و غیر از فصل دهم کتاب - روایت‌ها - که کاملاً جدید است، فصل‌های دیگر نیز به لحاظ متون مورد تحلیل تغییرات عمده‌ای داشته‌اند و برخی از جدیدترین مسائل روز دنیا، از جمله گفتمان پیرامون همه‌گیری کرونا، را در بر می‌گیرند. با وجود اینکه داده‌های مورد تحلیل در فصل‌های مختلف کتاب به طور کلی از منابع انگلیسی‌زبان هستند (به استثنای مورد اشعار هایکوی ژاپنی و گفتمان‌های تصویری)، از آنجایی که واحد زبانی مورد تحلیل در اینجا داستان‌ها (به معنای ساختارهای شناختی) هستند، برای خواننده آشکار خواهد بود که همین تجزیه و تحلیل‌ها به راحتی به داده‌هایی از دیگر زبان‌ها، از جمله زبان فارسی، نیز قابل اعمال می‌باشند.

به طور کلی، خواندن این کتاب به تمام کسانی که به نوعی با فعالیت‌های زیست‌محیطی در سطوح مختلف آن در ارتباط هستند - از فعالان محیط زیست و حقوق حیوانات گرفته تا روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای، تا دست‌اندرکاران آموزش محیط زیست و دغدغه‌مندان توسعه پایدار و عدالت اجتماعی - توصیه می‌شود. مطالب این کتاب می‌تواند منبع الهامی باشد برای پژوهشگران و فعالان این حوزه، اعم از زبان‌شناسان، بوم‌شناسان، و جامعه‌شناسان، برای پژوهش‌ها و فعالیت‌های آتی در جهت توجه هر چه بیشتر به نوع بازنمایی محیط زیست و «جهان فراتر از انسان» در زبان؛ چرا که همین بازنمایی‌های زبانی هستند که متعاقباً بر چگونگی رفتار ما انسان‌ها با جهان طبیعت تأثیرگذار خواهند بود.

## منابع

- Chawla, S. (2001). "Linguistic and philosophical roots of our environmental crisis". *The ecolinguistics reader: Language, ecology, and environment*. A. Fill & P. Mühlhäusler (Eds.), Continuum, 109-114.
- Fill, A. F. (2018). "Introduction". *The Routledge handbook of ecolinguistics*. A. F. Fill & H. Penz (Eds.), Routledge, 1-7.
- Halliday, M. A. K. (1990). "New ways of meaning: The challenge to applied linguistics". *Journal of Applied Linguistics*, 6, 7-36. Reprinted in A. Fill & P. Mühlhäusler (Eds.) (2001), *The ecolinguistics reader: Language, ecology, and environment* (pp. 175-202). Continuum.
- International Ecolinguistics Association (IEA) (2021). Home page. <http://ecolinguistics-association.org>
- Lakoff, G., & M. Johnson (1999). *Philosophy in the flesh: The embodied mind and its*

- challenge to western thought*. Basic Books.
- McLaren, P. (2002). *Critical pedagogy and predatory culture: Oppositional politics in a postmodern era*. Routledge.
- Stibbe, A. (2012). *Animals erased: Discourse, ecology, and reconnection with the natural world*. Wesleyan University Press.
- Stibbe, A. (2021). *Ecolinguistics: Language, ecology and the stories we live by* (2nd ed.). Routledge.

